

چکیده پژوهش‌ها در قلمرو روانشناسی ورزش

Sport Psychology Research Abstracts

به منظور فراهم شدن زمینه پژوهش‌های بین - رشته‌ای در این بخش چکیده تازه‌ترین پژوهش‌های روانشناختی در قلمرو روانشناسی ورزش معرفی می‌شوند.

دستاوردهای ورزش‌های گروهی و تحول حرمت خود در دختران نوجوان شهری

Pedersen, S. & Seidman, E. (2004). Team sports achievement and self-esteem development among urban adolescent girls. *Psychology of Women (Quarterly)*, 28 (4), 412-422.

در این پژوهش به بررسی نقش موفقیت در ورزش‌های گروهی در تحول حرمت خود دختران نوجوان پرداخته شد. به عنوان بخشی از یک پژوهش گسترده که تحول جوانان فقیر شهری را مورد مطالعه قرار داد، دختران نوجوان ($N = 247$) از بافتهای قومی و نژادی مختلف بررسی شدند. شرکت‌کنندگان به موادی پاسخ دادند که سطح کلی حرمت خود، کارآمدی در ورزش‌های گروهی و ارزیابی خویشتن در قلمرو ورزش را می‌سنجیدند. نتایج تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی نشان داد که تجربه در قلمرو ورزش‌های گروهی در آغاز نوجوانی با سطح حرمت خود در میانه نوجوانی، رابطه‌ای مثبت داشت. این رابطه تا حدی از طریق ارزیابی خویشتن در ورزش‌های گروهی تعدیل شد. در ادامه مقاله، درباره کاربرد این یافته‌ها به منظور گسترش طرح‌های مداخله‌گری که بتوانند به افزایش سطح حرمت خود در دختران و زنان جوان منجر شوند، بحث شده است.

رفتارهای رهبری و نقش ادراک‌های مبهم چند بعدی در ورزش‌های گروهی

Beauchamp, M.R.; Bray, S.R.; Eys, M.A. & Carron, A.V. (2005). Leadership behaviors and multidimensional role ambiguity perceptions in team sport. *Journal of Small Group Research*, 36 (1), 5-20.

روابط بین رفتارهای رهبری و ادراک‌های ورزشکاران از ابهام نقش در ورزش‌های گروهی «وابسته به هم»، موضوع این پژوهش بود. به عبارت دقیقتر، میزانی که مربیان از آغاز تا نیمه فصل مشغول تمرین و تعلیم و ارائه پس‌خوراند مثبت می‌شوند در رابطه با ادراک‌های بعدی ورزشکاران از چند بعدی بودن ابهام نقش، بررسی شد. در غیر تازه‌کارها، تفاوت معنادار در ابهام (نتایج) نقش تهاجمی یا تدافعی و نیز ابهام ارزیابی نقش تهاجمی به تعلیم و آموزش مربیان نسبت داده شد، در حالی که در تازه‌کارها هیچیک از ابعاد رهبری که در این مطالعه برآورد شده بود نتوانست تفاوت معنادار در هر یک از ابعاد ابهام نقش را تبیین کند. نتایج برحسب تحول نظریه و پژوهش‌های بیشتری که بتوانند به بررسی سوابق احتمالی چندبعدی بودن ابهام نقش بپردازند، مورد بحث قرار گرفتند.

رابطه بین متغیرهای بافتاری، سرشتی و انگیزه درونی در ورزشهای گروهی در دبیرستان

Mavi, H. F. (2004). The relationship among dispositional, contextual variables, and intrinsic motivation in high school team sports. *Journal of Humanities and Social Sciences*, 65 (3-A), 876.

در این پژوهش، چند هدف دنبال شده است: ۱) بررسی تفاوت در جهت‌گیریهای هدف، جو انگیزشی، ادراک صلاحیت، ادراک رفتارهای مربیگری و انگیزه درونی ورزشکاران به عنوان تابعی از جنس، وضعیت بازی، و سطح رقابتی. ۲) مطالعه هماهنگی ورزشکاران و مربیان برحسب وضعیت انگیزشی و ادراک رفتارهای مربیگری. ۳) پیش‌بینی ادراک رفتارهای مربیگری. ۴) پیش‌بینی انگیزه درونی ورزشکاران. دختران و پسران ورزشکار دبیرستانی ($N = 144$) و مربیان‌شان ($N = 18$) از سه رشته ورزشی (بسکتبال - والیبال - سافت‌بال)، پرسشنامه چند بخشی ورزشکاران و مربیان را تکمیل کردند. بر اساس تحلیل واریانس چند راهه (جنس \times وضعیت بازی \times سطح رقابتی) تأثیر معنادار جنس و وضعیت بازی آشکار و مشخص شد که پسران ورزشکار، مربیان را دارای رفتارهای دموکراتیک بیشتر و حمایت اجتماعی بالاتر می‌دانستند در حالی که دختران ورزشکار احساس می‌کردند قابلیت ورزشی کمتری دارند و تحت فشار و تنیدگی بیشتری هستند. بازیکنان حاضر در میدان علاقه بیشتری به رشته ورزشی نشان می‌دادند، تلاش زیادتری می‌کردند و نسبت به بازیکنان نیمکت‌نشین (ذخیره) احساس صلاحیت ورزشی بالاتری داشتند. تحلیل واریانس چند متغیره دیگری که همه مربیان را با ورزشکاران هر دو جنس و با ورزشکاران دختر و پسر به طور مجزا مقایسه کرد، تأثیر جنس ورزشکار بر نحوه ادراک او از محیط را بار دیگر مشخص کرد. رگرسیون چند متغیره چندگانه برای آزمون رویکردهای هدف و رفتارهای مربیگری، کنش معناداری را نشان داد به طوری که ورزشکاران با جهت‌گیری معطوف به هدف، ادراک بالاتری از وضعیت تکلیف داشتند در حالی که ورزشکاران با جهت‌گیری معطوف به خود، آموزش و تعلیم بالاتر، رفتار دموکراتیک بیشتر، حمایت اجتماعی افزونتر، پسخوراند مثبت بیشتر و رفتارهای مستبدانه کمتری را از جانب مربیان‌شان گزارش کردند. سرانجام با استفاده از رگرسیون چند متغیره چندگانه نشان داده شد ورزشکارانی که تعلیم و آموزش بیشتری را دریافت کرده بودند، رفتارهای دموکراتیک بیشتر، حمایت اجتماعی بالاتر، کارایی و تلاش بیشتر و فشار و تنش کمتری را در یک بافت ورزشی مشخص تجربه کردند.

روی آوردی چند سطحی به جو انگیزشی حاکم بر فضاهای ورزشی و آموزش جسمانی: سازه‌ای در سطح فردی یا گروهی؟

Papaioannou, A.; Marsh, H.W. & Theodoraksi, Y. (2004). A multilevel approach to motivational climate in physical education and sport settings: An individual or a group level construct? *Journal of Sport and Exercise Psychology*, 26 (1), 90-118.

جو انگیزشی اساساً سازه‌ای در سطح گروهی است به گونه‌ای که برای سنجش آثار آن بر پیامدهای بعدی باید از طرحهای طولی و چند سطحی استفاده کرد. بر اساس نمونه بزرگی از کلاسهای آموزش جسمانی (شامل ۲۸۷۶ دانش‌آموز، ۲۰۰ کلاس، ۶۷ معلم)، اثرات و جو انگیزشی کلاس (متمركز بر فرد و متمركز بر تکلیف) و جهت‌گیری هدف فردی (تکلیف و

فرد) بر نتایج تک‌تک دانش‌آموزان (انگیزه درونی، بازخوردها، برداشت از خود جسمانی، و مقاصد تمرینی) ارزیابی شد. این نتایج طی دو مرحله، در ابتدای سال تحصیلی (T_1) و اواخر آن (T_2)، جمع‌آوری شدند. با استفاده از روی‌آوردی چند سطحی، تفاوت‌های معناداری در وضعیت انگیزشی بین میانگین کلاسها در حالت T_1 به دست آمد و پس از کنترل این تفاوتها در سطح T_1 ، اثرات مثبت آن بر نتایج T_2 قابل مشاهده بود. اگرچه هیچ یافته‌ای به سود «فرضیه هماهنگی» یافت نشد (برای مثال، دانش‌آموزانی که جهت‌گیری معطوف به تکلیف دارند از وضعیتهای انگیزشی مبتنی بر تکلیف بیشتر بهره می‌برند)، اما مشخص شد که وضعیتهای ناهماهنگ، پایداری جهت‌گیریهای متمرکز بر هدف را تضعیف می‌کنند.

شرکت در ورزشهای گروهی و سیگار کشیدن : تحلیلی با استفاده از الگوسازی آمیزه رشد کلی

Rodriguez, D. & Audrian- McGovern, J. (2004). Team sport participation and smoking : Analysis with general growth mixture modeling, *Journal of Pediatric Psychology*, 29 (4), 299-308.

این پژوهش با هدف ارزیابی احتمال سیگار کشیدن در نوجوانان پایه‌های ۹-۱۱ با الگوهای متفاوت شرکت در ورزش گروهی انجام شد. بدین منظور نوجوانان شرکت‌کننده ($N = 1098$) در طرح طولی پیش‌بینی‌کننده‌های زیست - رفتاری سیگار کشیدن به پرسشهایی پاسخ دادند که رفتارهای مختلف مرتبط با سلامتی، شامل شرکت در ورزشهای گروهی و تجربه سیگار کشیدن را ارزیابی می‌کردند. سپس الگوسازی آمیزه رشد کلی (GGMM) برای تحلیل داده‌ها به کار گرفته شد که بدین وسیله چهار الگوی شرکت در ورزش گروهی آشکار شد. پس از گذشت دو سال از آغاز طرح، نوجوانانی که به طور نامنظم یا نزولی به ورزش می‌پرداختند در مقایسه با نوجوانانی که به طور منظم ورزش می‌کردند با احتمال تقریباً سه برابر بیشتر در پایه یازدهم سیگاری شدند. غیر سفیدپوستها به طور قابل توجهی در معرض خطر الگوی شرکت نامنظم و نزولی و به دنبال آن سیگار کشیدن بودند. از سوی دیگر دختران نیز با احتمال بیشتری در معرض الگوی شرکت پایین در تیم بودند. مؤلفان در پایان چنین نتیجه‌گیری کردند که الگوهای چندگانه شرکت در ورزشهای گروهی را می‌توان با GGMM شناسایی کرد و این الگوها می‌توانند در مشخص کردن افراد در معرض خطر بالا برای سیگار کشیدن در آینده مفید باشند.

مربیان و انسجام : تأثیر فنون مربیگری بر انسجام تیمی در چهارچوب ورزشهای گروهی کوچک

Turman, P. D. (2003). Coaches and cohesion : The impact of coaching techniques on team cohesion in the small group sport setting. *Journal of Sport Behavior*, 26 (1), 86-103.

بررسی انسجام در قلمرو ورزشهای تیمی از زوایای متعدد مانند تبعیت، رهبری، عملکرد و روابط بین فردی بررسی شده است. اگرچه این گستره پژوهشی به افزایش درک ما نسبت به اهمیت انسجام در ورزشهای گروهی کوچک منجر شده اما به راهبردها و فنون خاصی که مربیان برای ترویج و تقویت انسجام بین بازیکنانشان به کار می‌گیرند توجه نشده است. این پژوهش در دو مرحله انجام شد : مرحله نخست به منظور شناسایی فنون و رفتارهایی بود که ورزشکاران را در رشته ورزشی‌شان بر می‌انگیزند یا دلسرد می‌کنند. مرحله دوم، تعیین اثری که این رفتارها و راهبردهای گوناگون بر انسجام تیمی دارند. در این پژوهش، روش مطالعه موردی برای دستیابی به توصیف جامعی از تعامل مربی - ورزشکار با استفاده از

مصاحبه‌های عمقی به کار گرفته شد. یافته‌ها نشان دادند که برخی از رفتارهای مربیان (مانند بی‌عدالتی، شرم‌نده کردن، تمسخر) سطوح انسجام تیمی را کاهش می‌دادند و برخی دیگر (مانند لاف‌زنی، طنز و شوخی، سخنان تهییج‌کننده، بیان ویژگی‌های رقیب، فنون ورزشکار محور، دعا کردن دسته‌جمعی، و از خود گذشتگی و تعهد به گروه)، افزایش انسجام تیمی را در پی داشتند.

ادراک فاعلی تعامل مربی - ورزشکار در ورزشهای فردی و گروهی

Pfeffer, I.; Wurth, S. & Alfermann, D. (2004). Subjective perception of the coach - athlete interaction in individual and team sports. *Zeitschrift - fur - Sport Psychologie*, 11 (1), 24-32.

هدف از انجام این پژوهش بررسی تأثیر نحوه دریافت ورزشکاران از تعامل مربی - ورزشکار در ورزشهای فردی و گروهی بر تحول عملکرد و رضایت آنان بود. در این پژوهش، از ۲۱۲ ورزشکار (۷۶ زن و ۱۳۶ مرد) و مربیان (۵ زن و ۱۳ مرد) از رشته‌های ورزشی مختلف خواسته شد رفتار رهبری مربیان (مقیاس رهبری در ورزش، LSS) و جو انگیزشی (وضعیت انگیزشی ادراک شده در پرسشنامه ورزشی PMCSQ) را ارزیابی کنند. افزون بر این، ورزشکاران میزان رضایت خود را از رشته ورزشی‌شان اعلام کردند و مربیان به ارزشیابی پیشرفت عملکرد ورزشکاران پرداختند. داده‌های حاصل نشان دادند که سبک رهبری ادراک شده وابسته به نوع ورزش است. اگر ورزشکاران رشته‌های فردی مربیان را به منزله افرادی آموزش‌دهنده و با سطح حمایت‌کنندگی کمتر ارزیابی کنند و اگر در وضعیت انگیزشی مهارت - محوری آموزش ببینند، سطح عملکردشان افزایش می‌یابد. این در حالی است که در ورزشهای تیمی عملکرد ورزشکار با ادراک وی از روش آموزشی همبستگی منفی و با حمایت اجتماعی همبستگی مثبت دارد.

تفاوت در برقراری ارتباط بین ورزشکاران زن و مرد در ورزشهای گروهی

Sullivan, P. (2004). Communication differences between male and female team sport athletes. *Journal of Communication Reports*, 17 (2), 121-129.

پژوهشهای انجام شده درباره تفاوت‌های جنسی در برقراری ارتباط تاکنون متناقض بوده‌اند. اگر چه قسمت اعظم ادبیات پژوهشی در این زمینه حاکی از آن است که این تفاوتها کم تا متوسط هستند اما چندین ویژگی تیمهای ورزشی این احتمال را مطرح می‌کند که زنان و مردان می‌توانند به گونه‌ای متفاوت ارتباط برقرار کنند. نمونه‌ای متشکل از ۲۹۹ ورزشکار (۱۵۰ زن و ۱۴۸ مرد) به مقیاس ارتباط مؤثر در ورزشهای گروهی پاسخ دادند. تحلیل واریانس چند متغیره هیچ تفاوت معناداری را بین ورزشکاران زن و مرد نشان نداد. افزون بر این با در نظر گرفتن اینکه نمونه و تعریف عملیاتی متغیرها به گونه‌ای انتخاب شده بودند که احتمال تفاوت‌های جنسی در قلمرو ارتباط را به حداکثر برسانند، این بررسی بیش از پیش از فرضیه مشابهت زنان و مردان در برقراری ارتباط، حمایت کرد.